

## گفت و گو بر پایه ایمان

دکتر محمود ایوب و جرج خضر  
ترجمه سپهر امیر معزی

اشاره

شاید به جرأت بتوان گفت که پیروان ادیان، به اندازه ای که از اصل گفت و گو بین یکدیگر و ضرورت آن سخن می گویند، در عمل وارد میدان گفت و گوی سازنده نمی شوند و به دشواری از فاصله بین انتظارات خود و واقعیتها و ضرورتهای موجود می کاهند.

در کشور لبنان که سرزمین طوایف و مذاهب و فرقه های گوناگون است، مراکز متعددی وجود دارد که به موضوع گفت و گو بین ادیان همت گماشته اند.\* یکی از این مراکز، مرکز مطالعات اسلام و مسیحیت وابسته به دانشگاه بلمند طرابلس است که تاکنون گفت و گوهای فراوانی میان دانشمندان اسلام و مسیحیت ترتیب داده است. آنچه فراروی شما قرار دارد، گزیده ای از گفت و گوهای است با عنوان «نحو الجدل الأحسن» (به سوی گفت و گوی سازنده) که میان دکتر محمود ایوب استاد شیعی مذهب

دانشگاه میشیگان امریکا و جورج خضر، اسقف اعظم کلیسای ارتدکس لبنان انجام گرفته و به صورت کتاب انتشار یافته است. نام این مجموعه از آیه ۱۲۵ سوره نحل «ادع إلی سبیل ربک بالحکمۃ و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی أحسن» و اشاره های انجیل به برهان آوری پولس در آتن که با اپیکوریان و رواقیان مجادله می کرد برگرفته شده است. کتاب یادشده، از سه گفت و گو در روزهای ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ ماه مه ۱۹۹۶ میلادی تشکیل شده که در پایان هر جلسه به پرسش حاضران پاسخ داده شده است. گفت و گوی نخست؛ «گفت و گو با مسیحیان در دیدگاهی اسلامی»، گفت و گوی دوم؛ «رسالت و تبلیغ؛ مانع و یا انگیزه گفت و گویند؟» و گفت و گوی سوم - که نام مجموعه از آن گرفته شده است - «وحی از دیدگاه اسلام و مسیحیت؛ به سوی مباحثه ای بهتر» نام دارد. البته بجاست که این گفت و گوهای برون دینی پیش تر در درون مذهب اسلامی صورت پذیرد تا علاوه بر تقریب مذاهب اسلامی راه گفت و گوی بهتر با دیگر ادیان هموار گردد.

پرسش: به نظر شما نگاه کلی قرآن به ادیان آسمانی دیگر چگونه است؟

\* دکتر محمود ایوب: ... به گمان من، قرآن تا حدود زیادی در باب ادیان وسعت نظر دارد و برای هویت دینی انسانها طرحی نو در افکنده است:

«قالت الأعراب آمنا قل لم تؤمنوا و لكن قولوا أسلمنا و لمّا یدخل الإیمان فی قلوبکم»

حجرات/۱۴

بادیه نشینان گفتند: ایمان آوردیم. بگو ایمان نیآورده اید، لیکن بگویید اسلام آوردیم و هنوز در دلهای شما ایمان داخل نشده است.

در اینجا، قرآن میان اسلام شرعی - که با قطع نظر از پایبندی عملی و ایمانی است - و ایمان که عملی است یکسره قلبی و در گرو عمل، تفاوت نهاده است... از این رو باید بر گفت و گوها نام گفت

وگوی ایمان - و نه گفت و گوی ادیان - نهاد. نخستین منبعی که به این نام اشاره کرده همانا قرآن است:

«لیس بأمانیکم و لأمانی أهل الكتاب من يعمل سوءاً یجزیه و لا یجد له من دون الله ولیاً و لا نصیراً. و من يعمل من الصالحات من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة و لا یظلمون نقیراً»  
نساء/ ۱۲۳ و ۱۲۴

(پاداش و کیفر) به دلخواه شما و به دلخواه اهل کتاب نیست؛ هر کس بدی کند، در برابر آن کیفر می بیند، و جز خدا برای خود یار و مددکاری نمی یابد. و کسانی که کارهای شایسته کنند - چه مرد باشند یا زن - در حالی که مؤمن باشند، آنان داخل بهشت می شوند، و به قدر شیار هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی گیرند.

یعنی بحث در باره اسلامی است که پیامبر(ص) آن را «غریب» نامیده، و اسلامی که در توصیف مسیح و موسی و ابراهیم علیهم السلام و بسیاری از پیامبران در قرآن آمده و از آنها به نام «مسلمان» یادشده و این همان مفهوم عام و روحی اسلام است. گفت و گویی که امروزه نیازمند آن هستیم گفت و گویی است که نه تنها شامل تسامح دو طرف بحث کننده است، بلکه از آن فراتر رفته و به شرکت و مساهمه در ایمان بینجامد. فرهنگ و میراث اسلام و مسیحیت چنان سرشارند که پیروان هر دو طیف می توانند به درستی به تبادل پردازند. سوره های مدنی از اهمیت ویژه ای برخوردارند، زیرا با مسلمانان و غیرمسلمانان سخن گفته شده است:

«إن الذین آمنوا و الذین هادوا و النصاری و الصابئین من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلهم أجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» بقره/ ۶۲

در حقیقت، کسانی که ایمان آورده و کسانی که یهودی شده اند، و ترسایان و صابئان، هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد، پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهناک خواهند شد.

اگر تاریخ اسلامی را بکاویم در خواهیم یافت که «اهل کتاب» تنها شامل یهودیان، نصارا و مسلمانان نمی شود، بلکه مجوس یا زردشتیان و حتی هندوان را در برمی گیرد. در قرآن از اصحاب کهف، اصحاب نار و اصحاب جنت سخن به میان آمده اما «اصحاب کتاب» به جای «اهل کتاب» نیامده است. چه بسا بتوان گفت که «اهل کتاب» یک خانواده اند همچنان که در قرآن می خوانیم:

«إن الله اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین. ذریة بعضها من بعض و الله سميع علیم» آل عمران/ ۳۳-۳۴

به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است. فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند، و خداوند شنوای داناست.

از این رو، اهل کتاب یا همان یهودیان و مسیحیان و مسلمانان یک خانواده اند که کتاب یا وحی الهی آنها را گردهم می آورد.

اسلام خود در فضایی مسیحی پرورش یافت و راهبان صحرائشین مسیحی برای مسلمانان منبع برکت و شفا بودند. قرآن به نصارا این گونه اشاره می کند:

«و لتجدنّ أقرّبهم مودةً للذین آمنوا الذین قالوا إنا نصاری»

سپس قرآن ایشان را چنین وصف می کند:

«لايستكبرون. و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع مما عرفوا من الحق»  
مائده/۸۲ و ۸۳

و قطعاً کسانی را که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، نزدیک ترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت... تکبر نمی ورزند. و چون آنچه را به سوی پیامبر نازل شده بشنوند، همی بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته اند، اشک از چشمه‌اشان سرازیر می شود.

قرآن، کسانی را که گفته اند «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ بْنُ مَرْيَمَ» (مائده/۷۲) کافر می داند، حال آن که لاهوت مسیحی امروزه به هیچ وجه چنین نظری ندارد. بنابراین، با وجود آیه هایی که به الفت و سازگاری این چنینی فرا نمی خوانند باید گفت که مراد از این گونه آیات، اهل کتابی هستند که نه به خدا باور دارند و نه حرام و حلال پیامبران را می پذیرند و نه پیرو آیینی هستند... درنهایت، تنها خداوند است که ایمان و بی ایمانی انسانها را تشخیص می دهد. خداوند در قرآن می فرماید:

«و ليحكم أهل الإنجيل بما أنزل الله فيه» مائده/۴۷  
و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن نازل کرده داوری کنند.

\* اسقف اعظم جورج خضر: در پاسخ این سؤال که مخاطبان قرآن چه کسانی هستند؟ گفت:  
مراد قرآن از آیه «و قالوا اتّخذ الرحمن ولداً» (مریم/۸۸) و «لقد كفر الذين قالوا إن الله ثالث ثلاثة» (مائده/۷۳) بدعت گذاران یا رافضی نشان هستند. و در آیه «ولاتقولوا ثلاثة خيراً لكم» (نساء/۷۱) بی شک مسیحیان راستین، قائل به تثلیث عددی نیستند و چنین گویندگانی را کافر می شمارند. با توجه به اینکه من خود اسقفی مسیحی می باشم، گفته قرآن را می پذیرم «ولاتقولوا ثلاثة».

پرسش: نقطه های اشتراک و همانندی را میان اسلام و یهودیت و مسیحیت در کجا می بینید؟  
\* دکتر محمود ایوب: ... شباهتی اساسی میان تبلیغ دو دین وجود دارد و آن در دعوت به «خدا» و «ایمان» نهفته است... اگر به مقایسه پردازیم در خواهیم یافت که «امت» در اسلام همان «کلیسا»ست در مسیحیت... روابط اسلام و مسیحیت در صدر اسلام وجود داشته است؛ همان گونه که میان شیعیان و معتزله پیوند کلامی و لاهوتی ویژه ای بود که با روی کار آمدن متوکل عباسی و سختگیری با معتزلیان و شیعیان و تأکید بر سنی بودن اسلام، بابتی به نام «ردّ بر نصاری» گشوده شد و در خلافت مأمون به اوج خود رسید... و گر نه آنچه قرآن و پیامبر (ص) می گفتند مورد پذیرش اهل کتاب بوده است:

«و الذين أوتوا الكتاب ليعلمون أنه الحق» بقره/۱۴۴

صوفیه در گسترش اسلام نقشی ویژه داشتند، زیرا اسلام عملی را نشان می دادند و جالب اینکه فتوحات نظامی اسلام، مردمان آن مناطق را مسلمان نگه نداشت. همچنین در جایی که مبلغان مسیحی خود به تبلیغ مبادرت ورزیده اند نتیجه گرایش به مسیحیت برابر جنگهای صلیبی بازده بیشتری داشته است...

وقتی استعمار به جهان اسلام پا گذاشت، مسلمانان به خواری و گمشدگی خود پی بردند و به نگارش کتابهایی در ردّ مسیحیت پرداختند؛ از جمله: سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، محمد رشید رضا و شیخ محمد ابوزهره. گویا غربیان فراموش کرده بودند که اسلام تمدنی پربارتر از غرب

دارد، و گویا نقش اسلام را در نوزایش غرب نادیده گرفته بودند؛ نقشی که رهاورد مدارس اسلامی، غرناطه، قرطبه و دیگر شهرهایی اروپایی است که اسلام به آنها راه یافته بود. کثرت و تعدد ادیان، شعاری الهی است، نه انسانی:

«لکلّ جعلنا منكم شرعاً و منهاجاً» مائده/۴۸

برای هر یک از شما (امتها) شریعت و راه روشنی قرار داده ایم. و بی شک تعدد ادیان یکی از علل پرباری میراث مسلمانان و مسیحیان است. گفت وگو باید فرهنگ و روان ما را در برگیرد.

\* اسقف اعظم جورج خضر: متأسفانه الگوی مسلمانان امروز، افرادی چون شیخ محمد ابوزهرة شده اند. مشکل دیگر اینکه اندیشه پروتستانتیسم معاصر است که از کارل بارت می آغازد و تا همین چند سال پیش، نه تنها اسلام، بلکه همه ادیان آسیایی را باطل می شمرد و تنها دو دهه است که به جای ماده ادیان، لاهوت ادیان جایگزین شده و با تدریس همه ادیان و چه بسا مقایسه آنها با یکدیگر حرکت نوینی ایجاد شده است.

\* دکتر محمود ایوب: دیدگاه اسلام درباره وحی تا حدود زیادی به دیدگاه یهودیان نزدیک است. وحی، یا سخن گفتن مستقیم با پیامبران است و یا از راه خواب دیدن به وقوع می پیوندد... ما مسلمانان و مسیحیان بر دو امر مهم اتفاق نظر داریم؛ یکی اینکه خداوند متکلم است، و دیگری - که از امر اول برداشت می شود - اینکه کلام الهی یا به صورت کتاب و یا به صورت انسانی متجسد می شود... از این رو باید گفت که قرآن به مثابه وحی و یا کشف الهی می باشد و مسیح(ع) نمودار عظمت الهی است... اظهار فروتنی و تهی دستی و مستمندی در برابر خدا از اصول برجسته اسلام و مسیحیت است که مسیح(ع) الگوی تمام عیار این معیارهای انسانی است:

«و جعلنی مبارکاً این ما کنت» مریم/۳۱

مسیح در انجیل و قرآن، انسان دردمندی است که به گرسنگان غذا می داد و «یاذن الله» جذامیان و نابینایان را شفا می بخشید و مردگان را زنده می کرد (آل عمران/۴۹). بازتاب گفته مسیح در انجیل این گونه است:

«این کارها با توان من انجام نمی شوند، بلکه خواست و مشیت هموست که مرا فرستاده است.» به گمان من، تعدد مذاهب در جهان حکمت الهی است که فقط خداوند از آن خبر دارد. می توان با استفاده از این تعدد، نیروی ایمان مسیحیان را با آشناکردن آنان به اسلام بیشتر نمود...

\* اسقف اعظم جورج خضر: آنچه آقای دکتر محمود ایوب گفت نشان از اندیشه ای انگیزه آفرین و بسیار سترگ است که در جهان اسلامی پدیدار شده است و من با بسیاری از گفته های ایشان موافق هستم....

پرسش: چگونه پیامبر با وجود امّی بودنش - که البته نبوغ وی را نمی توان نادیده گرفت - به خواندن دعوت می شود: «اقرء باسم ربّک» (علق/۱) و این یعنی دعوت به فراگیری علم و دانش.

\* دکتر محمود ایوب: این دعوت، لزوماً نشان از توانایی پیامبر بر خواندن و نوشتن ندارد؛ زیرا نوشتن در آن زمان حرفه ای بود که اندک افرادی توانایی آن را داشته اند. «قرء» بنا به مفهوم قرآنی آن، نه به معنای خواندن از روی کتاب و نوشته، بلکه به معنای تلاوت است. اسلامی که مراد قرآن است تسلیم همه اجزای هستی است و تنها شامل انسانها نمی شود. آنچه دو دین را بیشتر به هم نزدیک می کند مفهوم «الله» در اسلام و مسیحیت است. قرآن می فرماید:

«و إن من شيء إلاّ يسبح بحمده و لكن لا تفقهون تسبیحهم» اسراء/۴۴

یعنی توحیدگوی او نه تنها بنی آدم که همه آفریده ها هستند. هدف از آفرینش بشر نیز عبادت خداوند است:

«و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ ليعبدون» ذاریات/۵۶

پرسش: نظر قرآن را درباره قَدَر و «امّ الكتاب» و نقش آن در وحی توضیح دهید؟

\* دکتر محمود ایوب: لفظ «امّ الكتاب» بارها در قرآن آمده است:

«هو الذی أنزل علیک الكتاب منه آیات محکمات هنّ امّ الكتاب» آل عمران/۷

در اینجا یعنی شالوده و جوهر کتاب الهی. سوره فاتحه را نیز «امّ الكتاب» می نامند. اما در جایی دیگر می فرماید:

«یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده امّ الكتاب» رعد/۳۹

خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می کند و اصل کتاب نزد اوست. شیعیان به این مفهوم می رسند که خداوند چه بسا تقدیری کند، اما آن را به انجام نرساند؛ یعنی قَدَر آن را تغییر می دهد. شیعیان می گویند که دعا، قضا را باز می گرداند و اگر دعا نباشد خدا پرستش نمی شد، زیرا چگونه می گوئیم که: خداوند، به من روزی رسان، در حالی که روزی ما - حتی پیش از به دنیا آمدن ما - مشخص بود؟

قرآن نه قَدَری است و نه جبری. در برخی آیه ها می خوانیم که برای هر چیز اندازه ای قرار داده ایم؛ یعنی اینکه خداوند همه چیز را تقدیر می کند:

«ما أصاب من مصیبة فی الأرض و لا فی أنفسکم إلاّ فی کتاب من قبل أن نبرأها»

حدید/۲۲

هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفسهای شما نرسد، مگر آن که پیش از آن که آن را پدید آوریم در کتابی است.

و تأکید می ورزد:

«و نفس و ما سوأها. فألهمها فجورها و تقواها» شمس/۸-۷

سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد؛ سپس پلیدکاری و پرهیزکاری اش را به آن الهام کرد.

قرآن... هم زمان از آزادی و مسؤولیت پذیری انسان سخن می گوید و از اراده مطلق خداوندی.

\* برای آشنایی بیشتر با این مراکز، می‌توانید به مقاله دکتر رضوان السید با عنوان «نگاهی به گفت‌وگوها و ارتباطات مذهبی در لبنان» که در هفته‌نامه نگاه حوزه شماره ۵۶، ۱۵ تیرماه ۱۳۸۱، صفحه ۲۵ - ۲۳، چاپ شده است مراجعه کنید.

